



تحلیل و بررسی روابط حقوق خصوصی و حقوق شهروندی با تأکید بر نقش قوانین شهری

ولی رستمی

استاد گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

الهام امینزاده

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمد رضا حاجی کرم رعیت*
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

چکیده

هدف از تدوین این تحقیق بررسی حقوق شهروندی در پرتو قوانین و مقررات شهری و حقوق خصوصی در ایران است. محور اصلی تحقیق حاضر مبنی بر تحلیل و تبیین موارد تقنینی حقوق شهروندی در مقررات و قوانین حقوق خصوصی و قانون شهری می‌باشد که برخی از مصادیق آن از این منظر مورد بررسی قرار گرفت. حقوق شهروندی به عنوان یک نهاد مشخص در حقوق می‌باشد که بیشتر محل بحث آن در دو شاخه مهم حقوق عمومی و حقوق خصوصی از علم حقوق می‌باشد و در این تحقیق ابتدا با تعریف حق و مفهوم حقوق شهروندی، ارتباط این نهاد را با مقررات و قوانین حقوق خصوصی روشن ساخته و سپس حقوق شهروندی در پرتو قوانین و حقوق شهری مورد تبیین قرار داده شده است. روش انجام این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و در پی پاسخ به این سؤال است که حقوق شهروندی چگونه در قالب حقوق خصوصی تعریف و تفسیر می‌شود و چه تلازمه‌هایی با آن دارد؟ نتایج آن بیانگر این است که حقوق شهروندی در حقوق خصوصی به معنای خاص خود مطرح و شمولیت دارد؛ به خصوص در بخش حقوق اشخاص از دسته های حقوق مدنی جایگاه مهم دارد. چراکه حقوق خصوصی به بررسی روابط میان اشخاص و در برخی موارد به رابطه بین اشخاص و دولت می‌پردازد. بنابراین باتوجه به گستره حقوق شهروندی، شمولیت عام و تلازم آن با حقوق عمومی و حقوق خصوصی، باید گفت اغلب موارد مسکوت در مقررات و قوانین حقوق خصوصی نوعی نقض حقوق شهروندی افراد محسوب می‌گردد. از سوی دیگر قوانین شهری نیز بستر تحقق حقوق شهروندی است. بنابراین نهادهای مدیریت شهری در تحقق حقوق شهروندی نقشی بسیار مهمی دارند و اغلب عدم اطلاع شهروندان از این حقوق و گاهی نقض عمدانه یا سهوی این حقوق توسط نهادهای مدیریت شهری مسائل و مشکلاتی را گریبانگیر شهروندان نموده است. در مجموع فهم دقیق مناسبات قوانین شهری و حقوق خصوصی و اندرکنش‌های آنان در محیط شهری می‌تواند رابطه مثبتی با حقوق شهروندی در جامعه داشته و منجر به ارتقای حقوق شهروندی شود.

واژگان کلیدی: حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق شهروندی، قوانین شهری.

مقدمه

حقوق خصوصی امروزه دست کم شامل حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق ثبت و حقوق دریایی است که منظور از حقوق مدنی، مجموعه قوانین، قواعد و مقررات حاکم بر ارتباطات خصوصی مردم بدون در نظر گرفتن شغل، حرفه، مقام اجتماعی و سایر خصوصیت آنها می‌باشد به عبارتی قواعد حاکم بر روابط روابط افراد تنها به جهت اینکه عضوی از شهر یا مدینه به شمار می‌روند مدنظر حقوق خصوصی است. حقوق مدنی بعنوان اصلی ترین رشته حقوق خصوصی شامل بخش هایی نظیر اشخاص، قراردادهای، خانواده، مسئولیت مدنی، اموال و مالکیت می‌باشد. حقوق مدنی در دو مفهوم سنتی و مدرن قابل بحث و تجزیه و تحلیل است در مفهوم سنتی حقوق مدنی مترادف با حقوق خصوصی و در از نظرگاه مدرن این مبحث شاخه اصلی حقوق خصوصی است که مباحث آن شامل اشخاص، خانواده، ارث حقوق دینی (الزامات و تعهدات) و حقوق عینی (مالکیت، حق انتفاع و ...) می‌شود. از طرفی دیگر حقوق شهروندی در واقع مجموعه حقوق و امتیازاتی است که به شهروندان یک کشور، با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض برای فراهم سازی زمینه‌ی رشد شخصیت فردی و اجتماعی شهروندان در نظام حقوقی هر کشور تعلق می‌گیرد. شهروندی منزلتی را نشان می‌دهد که با قانون اعطا می‌شود. در عین حال، این مفهوم نشان می‌دهد که اشخاص به اعتبار جایگاهشان در اجتماع یا واحد سیاسی دارای حقوقی هستند. باید گفت ضرورت کاربرد حقوق شهروندی در حل و فصل مسائل شهری عبارت است از توسعه منزلت شهروندی، اعتلای حقوق فردی، مدنی و اجتماعی، رشد اخلاق و مسئولیت‌های اجتماعی شهروندان است. حقوق شهروندی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، مدنی، اقتصادی، فرهنگی و قضایی قابل بحث است. می‌توان گفت اگرچه مفهوم شهروندی و حقوق شهروندی در متون کلان حقوقی کشور کمتر دیده شده است اما در قانون مدنی به عنوان مهم‌ترین رشته حقوق خصوصی است که برای

احصای مصادیق حقوق شهروندی طبعاً با کثرت مصادیق مواجهه می‌باشیم. به عبارت دیگر قانون مدنی بعنوان قانون «عام» و جامع محل بحث و بررسی مناسبی برای مطالعه حقوق شهروندی می‌باشد. از طرفی دیگر یکی از مدخل‌هایی که می‌توان از طریق آن مناسبات حقوق خصوصی و حقوق شهروندی را تحلیل و تبیین کرد حقوق شهری شامل قوانین و مقررات شهری است که هم در زمینه نظم بخشی به روابط شهروندان و مدیریت شهری و هم روابط و حقوق و تکالیف آنها نسبت به یکدیگر اختصاص دارند. در تعریفی خاص، حقوق شهری به مجموعه قوانین و مقرراتی می‌شود که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌کند (صفایی‌پور و پیری ۱۳۹۴) در کشور ما قوانین مختلفی مانند قانون شهرداری‌ها، قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵، قانون زمین شهری، قانون نوسازی و عمران شهری و ده‌ها قانون، مصوبه و دستورالعمل تنظیم کننده و هدایت کننده روابط بین نهادهای مدیریتی و شهروندان و همچنین ارتباط شهروندان با یکدیگر هستند. دامنه شمول موضوعات حقوق شهری گسترده است و مباحثی همچون مدیریت شهری، نحوه استفاده از اراضی شهری و قوانین مربوط به تملک یا تغییر کاربری آنها از جمله قانون زمین شهری و یا قانون حفظ و گسترش باغات و فضای سبز قوانین و دستورالعمل‌های مربوط به شهرسازی، تخلفات ساختمانی و ابنیه شوارع و معابر، نما و بند منظر، کمیسیون‌هایی همچون کمیسیون ماده ۱۰۰ و بند ۲۰ کمیسیون ماده ۵۵ و بسیاری دیگر از قوانین و مقررات را شامل می‌شود. با این حال باید گفت در اصلی ترین مرجع قانونی شهرداری‌ها یعنی قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی جای خالی توجه به حقوق شهروندی به چشم می‌خورد. اما این امر رافع مسئولیت مدنی این نهاد که در قوانین بر آن تأکید شده

است، نمی‌شود. شهرداری‌ها به عنوان یک نهاد حقوقی عمومی غیردولتی در ایفای وظایف خدمات‌رسانی به شهروندان ممکن است باعث بروز خسارت‌هایی گردند که احکام و قواعد ایجاد مسئولیت مدنی آنها با دیگر اشخاص حقیقی یا حقوقی مشترک است. به هر حال آنچه که به موجب قانون به عنوان وظیفه شهرداری نام برده می‌شود ناظر به حقوق شهروندی است که امروزه به انحاء گوناگون محل چالش و ابهام است. در واقع می‌توان گفت نهادهای مدیریت شهری در تحقق حقوق مدنی شهروندی نقشی بسیار پر رنگ و منحصر به فرد دارند که گاهی عدم اطلاع شهروندان از این حقوق و گاهی نقض عامدانه یا سهوی این حقوق توسط نهادهای مدیریت شهری مسائل و مشکلاتی را گریبان‌گیر شهروندان می‌کند. به نظر می‌رسد فهم دقیق مناسبات حقوق شهروندی و حقوق خصوصی و اندرکنش‌های آنان در محیط شهری می‌تواند تا حدودی از مسئله ابهام‌زدایی کند. بر این اساس در این مطالعه مسئله اصلی اولاً تحلیل روابط متقابل حقوق خصوصی و حقوق شهروندی با نقش واسطه‌ای حقوق شهری و ثانیاً تبیین علل و عوامل تأثیرگذار بر عدم تحقق کامل و استیفای حقوق شهروندی توسط مدیریت شهری است. با این چشم‌انداز از در این پژوهش تلاش شده است به این مسئله پرداخته شود که روابط متقابل حقوق خصوصی و حقوق شهروندی و تکوین آن در بستر جامعه شهری چگونه است؟

پیشینه تحقیق:

هر تحقیق علمی برای بسط و قوام و پیدا کردن چارچوب‌های لازم متکی به مطالعات پیشینیان است بررسی پیشینه علاوه بر روشن ساختن مرزهای پژوهش باعث می‌شود که ما راه رفته را دوباره نپیماییم در رابطه با ارتباط و مناسبات حقوق شهروندی و حقوق خصوصی به‌صورت موردی مطالعات متعددی انجام شده است.

-هادی شوهانی در سال ۱۳۹۳ پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان بررسی تحولات شهروندی در نظام حقوقی ایران با تأکید بر قانون شهرداری‌ها نگاشته است.

در پایان‌نامه مذکور نگارنده به بیان چالش‌های اساسی حقوق شهروندی در قانون شهرداری‌ها پرداخته و به این نتیجه رسیده است که تمهیدات حقوقی لازم جهت استیفای حقوق شهروندی در قانون شهرداری‌ها دیده نشده است. وجه تمایز این تحقیق با پژوهش حاضر در این است که به نقش حقوق خصوصی پرداخته نشده است.

-عقیل صبری خیابوی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد گرایش حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۹۸ با عنوان مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق شهروندی در شهرداری‌ها به بررسی این موضوع پرداخته است که با توجه به اشاراتی که در قانون به جبران خسارت زیان دیده شده است مسئولیت شهرداری‌ها در حوادثی که ناشی از فعل ایشان می‌باشد یا در حوادثی که ناشی از قوه قاهره است بر چه مبنا و اصولی متصور است در حقیقت در جایی که حوادث موجب بروز خسارتی به اشخاص می‌شود فرض تقصیر موجب پرداخت خسارت است یا فرض مسئولیت؟ نگارنده همچنین شرایط مسئولیت مدنی شهرداری‌ها نحوه پرداخت خسارت، مصادیق خسارت‌ها و مباحثی از این دست را در این پایان‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. این تحقیق نیز به رابطه حقوق شهروندی با حقوق خصوصی نپرداخته و از این منظر با پژوهش حاضر تفاوت دارد.

-محمد رضانی در مقاله‌ای با عنوان ظرفیت شهرداری‌ها در توسعه اجرای حقوق شهروندی در سال ۱۳۹۹ به تشریح هم‌پوشانی وظایف شهرداری‌ها که در قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۳۴ و حقوق شهروندی پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که عدم تصریح و تدوین آن دسته از حقوق شهروندی که شهرداری‌ها موظف به رعایت آن می‌باشند در کنار عدم اطلاع‌رسانی آنها به شهروندان و ترسیم ضمانت اجراهای متناسب به منظور مطالبه‌گری و پاسخگو ساختن شهرداری‌ها نسبت به رعایت حقوق شهروندی در زمره مهمترین کاستی‌های تقنینی در این زمینه به حساب می‌آیند. رویکرد این

مفهوم حقوق خصوصی

حقوق خصوصی عموماً نهاد حقوقی تلقی می‌شود که بر روابط افقی میان اشخاص خصوصی اعمال می‌شود. همچنین بر روابط افراد صرف نظر از جایگاه و شخصیت حقوقی آنها تکیه دارد (طباطبایی نژاد و کاظمی، ۱۳۹۸: ۶۹۸). حقوق خصوصی همیشه حمایت از برخی ابعاد کرامت انسانی را دربر می‌گرفته است (حیدری مقدم، ۱۳۹۹: ۲۵). ابعاد حقوق خصوصی شامل حقوق مدنی و حقوق تجارت، حقوق کار و حقوق بین‌الملل خصوصی است. مهمترین و معروف‌ترین بخش حقوق خصوصی حقوق مدنی است که در آغاز شامل تمام رشته‌های حقوق خصوصی بود و به قول برخی بنای حقوق خصوصی و مادر سایر شعبه‌ها است. حقوق مدنی روابط اشخاص را تنها از این لحاظ که عضو جامعه هستند تنظیم می‌کند. به عبارت دیگر حقوق مدنی شامل روابط مالی و خانوادگی افراد جامعه با یکدیگر است.

قدیمی‌ترین معیار ذکر شده برای تفکیک حقوق عمومی و خصوصی که کسانی چون «اولپین»، حقوقدان رومی قرن سوم میلادی، بدان قائل بودند، آن است که آنچه به نفع خصوصی افراد بازمی‌گردد، در حوزه حقوق خصوصی و آنچه به منافع عمومی جامعه مرتبط است، در حوزه حقوق عمومی است. مهم‌ترین نقص این معیار را آن دانسته‌اند که ترسیم مرز دقیق میان منافع عمومی و منافع خصوصی دشوار و بلکه ناممکن است و در پاره‌ای موارد این دو مقوله در هم آمیخته است. بلکه می‌توان گفت که همه قواعد حقوقی، حتی آن‌ها که برای صیانت از منافع خصوصی وضع شده‌اند، درصدد تأمین منافع عمومی هستند. از این رو، به نظر «درنبرگ»، حقوقدان آلمانی، قواعدی که اساساً به منافع عمومی و دولت بازمی‌گردد، جزو حقوق عمومی و قواعدی که هدف مستقیم و اولیه آن حفظ منافع اشخاص است، جزو حقوق خصوصی به شمار می‌روند (مظهری و ظاهری، ۱۳۹۶: ۳).

معیار دیگر تفکیک حقوق عمومی و خصوصی مبتنی بر تقسیم قواعد حقوقی به «امری» (آمره) و «تکمیلی»

تحقیق حقوق شهروندی و وظایف شهرداری‌ها است و جایگاه حقوق خصوصی در آن مشخص نیست.

اصغر امینی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی با عنوان بررسی رابطه بین حفظ حقوق شهروندی با حفظ حقوق خصوصی در سال ۱۳۹۷ اینگونه نتیجه‌گیری کرده است که در نظام حقوقی ایران، حقوق خصوصی آن‌طور که باید و شاید مورد توجه و کندو کاو قرار نگرفته است و در حقوق موضوعه ایران مباحثی همچون حریم خصوصی حالت تحولی و تکاملی دارد. قوانین متعدد از جمله و در رأس آنها قانون اساسی و همچنین قوانین دیگری نظیر قانون آیین دادرسی کیفری، قانون آزادی اطلاعات و قانون مطبوعات از جمله قوانینی هستند که گاه‌اشاراتی به برخی از مصداق‌های حقوق خصوصی داشته و یا از آن حمایت کرده‌اند. وجه تمایز این تحقیق با پژوهش حاضر در بررسی قوانین شهری است که به آن پرداخته نشده است.

مبانی نظری:

واژه حق در فرهنگ‌های لغت فارسی به معنای گوناگون چون راست، درست، یقین، ثابت و واجب، عدل، نصیب و بهره از چیزی، ملک و مال، انصاف، سزاواری، شایستگی، راست گفتن سخن، وجود مطلق که غیر مقید به هیچ قید نباشد، ثابت که انکار آن روا نباشد، حقیقت، مقابل باطل، درستی، مشروعیت، امتیاز، از صفات باریتعالی و ... آمده است. در تعریف «حق» از دیدگاه و اصطلاح حقوقی می‌توان گفت به شرح ذیل است: حق عبارت است از: «اقتداری که قانون به افراد می‌دهد تا عملی را انجام دهند. آزادی، عمل، رکن اساسی حق در این تعریف می‌باشد؛ یعنی آدمیان در انجام یا عدم انجام آن عمل آزادند. به تعبیر دیگر، حق امری اعتباری است که پشتوانه قانونی دارد. ثمره آن حفظ نظم جامعه است. از این رو، طبق این دیدگاه، «حق»، غیر از اعتبارشدن توسط اجتماع شأن دیگری ندارد» (امامی، ۱۳۷۴: ۱۲۵).

است. بر پایه این معیار، قواعد حقوق عمومی، «امری» یعنی حاکم بر اراده افراد است و توافق برخلاف آن جایز نیست. از این رو، در علم حقوق این اصل پذیرفته شده است که «حقوق عمومی را نمی‌توان با قراردادهای خصوصی تغییر داد». در برابر، قواعد حقوق خصوصی همواره «تکمیلی» و هدف آن تکمیل شروط قرارداد و تعیین اراده مفروض دو طرف است و در نتیجه، توافق افراد برخلاف آن، جایز است. این معیار را چنین نقد کرده‌اند که اولاً بسیاری از قواعد حقوق خصوصی (مانند قوانین ارث و خانواده)، به سبب ارتباط با نظم عمومی، جنبه امری دارند و به علاوه، پاره‌ای از قواعد حقوق عمومی (مانند مقررات آیین دادرسی) جنبه تکمیلی دارند.

شهروند در لغت به ساکن شهر گفته می‌شود و منظور از شهر، آبادی بزرگی می‌باشد که دارای خیابان‌ها، کوچه‌ها و خانه‌ها و افراد بسیار است (عمید، ۱۳۸۱: ۸۹۱)، همچنین شهروندی در لغت، تبعه یک کشور بودن با احتساب حقوق و وظایفی که بر عهده دارد، حالت یک تبعه با حقوق و وظایف، شهرنشینی را گویند. مفهوم شهروندی همراه با مفهوم فردیت و حقوق فرد در اروپا پدید آمده است. از این رو می‌توان کلمه شهروند را به تبعه ترجمه کرد گرچه واژه شهروند و تبعه بیان‌گر مفهومی واحد یعنی عضو یک کشور بودن هستند ولی معمولاً واژه تابعیت جنبه خارجی و بین‌المللی و شهروند جنبه داخلی و ملی آن عضویت را دارد شهروندی همانطور که روشن است از مشتقات شهر است. شهروندی را قالب پیشرفته شهرنشینی می‌دانند. به عبارت دیگر شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارند و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و جامعه عمل کنند به شهروند ارتقا می‌یابند. شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می‌شد اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشورها گسترش داد (حاجی کرم رعیت و طباطبایی، ۱۴۰۰: ۷). مفهوم شهروند به خودی خود و به صرف جمع شدن و تجمع افراد در کنار یکدیگر حاصل نمی‌شود بلکه این مفهوم در چارچوب و قلمرو جامعه مدنی

شکل می‌گیرد. شهروند موجودی است که دارای هویت فرهنگی و اجتماعی است شهروند از وجود تعهدات دوجانبه میان فرد و جامعه خبر می‌دهد. زندگی شهری و کنش‌های شهروندان مقوله‌ای اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی است و بر این مبنا، ضعف در پایین بودن مشارکت اجتماعی شهروندان مساله‌ای است که باید مورد توجه قرار داد. بنابراین، شهروندی موقعیت عضویت در یک جامعه سیاسی است که شامل مجموعه‌ای از حقوق، وظایف و تعهدات متقابل است و بر اساس موازین و مسئولیت‌های اجتماعی است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد حقوق شهروندی از جهاتی می‌تواند به حقوق بشر مربوط باشد، به این صورت که افرادی که در یک سرزمین زندگی می‌کنند، به جهت انسان بودن، از حقوق برابری برخوردار باشند و همچنین به دلیل اینکه نوع بشر یک‌سری حقوق اولیه را داراست، حقوق شهروندی توسعه پیدا می‌کند. حقوق شهروندی چیزی نیست که از سوی حاکمیت به مردم اعطا شود، بلکه در نزد شهروندان واقعی ثابت و محفوظ است و این یکی از ویژگی‌هایی است که شهروندی با دارا بودن آن شکل می‌گیرد. حقوق شهروندی را دولت ایجاد نمی‌کند، بلکه باید آن را رعایت نموده و از آن حمایت کند و حتی آنجا که خود این حقوق را نقض نموده است، جبران نماید. در واقع، خود حکومت تبلور حقوق شهروندی است (فنی، ۱۳۹۷: ۸۰-۸۱).

حقوق شهری که موضوع آن چگونگی روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و همچنین در برابر جامعه، اصول، هدف‌ها، وظایف و روش انجام آن‌ها، به عنوان اصولی منشعب از حقوق اساسی کشور است. حقوق شهری در حقیقت حقوق و قوانین ناظر به زندگی شهری است و دامنه و گستره آن شامل برنامه ریزی و مدیریت شهری می‌باشد.

قوانین شهری طیف وسیع فعالیت‌های مربوط به برنامه ریزی و طراحی شهری، معماری، توسعه شهری، اقتصاد شهری، سیاست شهری و فرهنگ شهری را تحت پوشش قرار می‌دهد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۵۱). قانون

رساله ها پایان نامه ها و مقالات استخراج و مورد تحلیل قرار می گیرند. از نظر تجزیه و تحلیل داده ها نیز این پژوهش جزو تحقیقات کیفی بوده که نتایج به شکل تفسیری و مبتنی بر استنتاج عقلایی به دست می آیند.

یافته های تحقیق

مهم ترین منبع حقوق شهری قانون اساسی است. قانون اساسی اصول اساسی حقوقی یک حکومت را بیان کرده و متضمن قواعد کلی حمایت از حقوق شهروندی یا جنبه های پیشگیرانه از حقوق شهروندی است. همچنین قوانین و مقرراتی نظیر قانون مدنی، تجارت، مجازات اسلامی، کار، بیمه و بالاخره مقررات، آیین نامه ها، بخشنامه ها و حتی تصمیمات قضایی که شهر، شهرنشینی و شهروندان را تحت تأثیر قرار می دهد و قوام بخش «حقوق» در جامعه شهری است (فنی، ۱۳۹۷: ۸۵). سایر منابع حقوق شهری عبارتند از:

منظور قوانین و مقرراتی است که توسط مقام صلاحیت دار وضع شده است و هدف آن پیشگیری از وقوع جرائم یا تخلفات و یا ممنوعیت انجام برخی از فعالیت ها و یا اقدامات در جامعه است. به عنوان مثال: در خصوص «منع تبعیض» اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند». در مثالی دیگر در خصوص «ارزیابی اثرات زیست محیطی»، برای نخستین بار در سال ۱۳۵۴ در آیین نامه پیشگیرانه «جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹» همه کارخانه ها و کارگاه ها موظف به رعایت مقررات و ضوابط حفاظت بهسازی محیط زیست شدند.

ارزیابی اثرات زیست محیطی در ایران برای اولین بار در سال ۱۳۷۳ در بند الف تبصره ۸۲ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به طور مشخص صورت قانونی به خود گرفت. با تصویب الزامی شدن ارزیابی اثرات زیست محیطی، طبق تبصره ۸۲ قانون برنامه دوم توسعه و تصویب آیین نامه الگوی ارزیابی زیست محیطی توسعه شورای عالی حفاظت

شهری تحت تأثیر تحولات اجتماعی و الزامات شهرنشینی برای ساکنین شهرها و مدیران آن به عنوان شعبه ای که دارای قلمرو خاص، منابع خاص و ضمانت اجرایی خاص است در جامعه حقوقی مطرح شده و دانشکده ها و پژوهشکده های خاص به آموزش آن اختصاص داده شده است. اهمیت قوانین شهری را باید در تدوین قواعد و مقررات راجع به برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری و تأثیرات مثبت ناشی از قانونمند کردن زندگی شهری و سایر پیامدهای دگرگون کننده در برنامه ریزی و مدیریت شهری جستجو کرد. معمولاً مقامات و مسئولان شهری، با مسائل و مشکلاتی مواجه اند که مقابله درست و عملی با این مسائل و مشکلات محلی و شهری منوط به تدوین قوانین و مقررات برنامه ریزی شده است.

مهمترین قوانین و مقررات در این زمینه عبارتند از: قانون برنامه ریزی شهری، قانون شهرداری، قانون توسعه شهری، قانون بهسازی شهری، قانون پاکسازی مناطق حاشیه نشین شهری، قانون دستیابی به زمین و قانون مربوط به آلودگی های زیست محیطی. بدیهی است فرآیند تصمیم گیری شهری زمانی موجب جلب منافع همگانی و مدیریت شهری خواهد شد که شهروندان بیشترین مشارکت را در تصمیم گیری ها از خود نشان دهند (مختارزاده، ۱۴۰۰: ۳۲). از این رو قانونمند کردن این روند کمک شایانی را به مدیریت شهری و شهروندان و مشارکت در تصمیم گیری ها می نماید

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف جزو تحقیقات کاربردی می باشد که می کوشد در تعمیق ارتباط بین حقوق شهروندی و حقوق خصوصی و نقش مدیریت شهری در این پیوند موثر باشد به نحوی که بتواند در بازتعریف حقوق شهروندی و نگاه مدیریت شهری به این گزاره منشاء اثر واقع شود. به لحاظ شیوه گردآوری داده ها در زمره تحقیقات توصیفی و تحلیلی می باشد که به شیوه اسنادی و مطالعات کتابخانه ای متکی است به گونه ای که گزاره های مورد نظر از لابه لای متون معتبر حقوقی و کتابها،

محیط زیست در سال ۱۳۷۶، فرایند ارزیابی از اعتبار و اهمیت بیشتری برخوردار گردید. در قانون سوم برنامه توسعه نیز در ماده ۱۰۵ کلیه طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی در پیش از اجرا و در دو مرحله انجام مطالعات امکان‌سنجی و مکان‌یابی، بر اساس ضوابط پیشنهادی شورای عالی حفاظت محیط زیست و مصوب هیأت وزیران، موظف به ارزیابی زیست‌محیطی گردیدند و رعایت نتایج ارزیابی توسط آنان الزامی شد و در ماده ۷۱ قانون برنامه چهارم تنفیذ ماده یاد شده مد نظر قانون گذار واقع گردید.

بند دوم: قوانین حمایتی

منظور قوانین و مقرراتی است که توسط مقام صلاحیت دار به منظور ایجاد شرایط مناسب برای توسعه و گسترش فعالیت‌های اجتماعی و حمایت از شهروندان وضع شده است. به عنوان مثال: بند ۳ از اصل سوم قانون اساسی ج.ا.ا. مقرر داشته است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ... آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعلیم آموزش عالی». از سایر قوانین و مقررات حمایتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰/۸/۱۹ که در ماده ۱ این قانون مقرر شده است: «در راستای اجرای سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده و بندهای (۴۵)، (۴۶) و (۷۰) سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و ماده (۴۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۴/۱۲/۱۳۹۳ موضوع اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور و سند جمعیت و تعالی خانواده و مواد (۷۲)، (۹۴)، (۱۰۲)، (۱۰۳)، (۱۰۴) و (۱۲۳) قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، احکام مقرر در این قانون با رعایت مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی لازم‌الاجراء است».

۲- دستورالعمل نحوه حمایت از حقوق اشخاص دارای معلولیت و سالمند در فرایند دادرسی مصوب ۱۴۰۲/۴/۳۱. در ماده ۳ و ۴ این دستورالعمل آمده است: «افراد مشمول بدون هر تبعیض از حقوق برابر با افراد دیگر برخوردار می‌باشند. هرگونه تبعیض مبتنی بر معلولیت یا سالمندی در همه مراحل دادرسی و نزد مراجع قضایی و شبه قضایی و انتظامی ممنوع است. مراجع موصوف باید مانع از هرگونه توهین، تحقیر و استخفاف افراد مشمول شوند. در مواردی که انجام بازرسی بدنی ضرورت دارد، به منظور حفظ کرامت افراد مشمول که دارای اندام‌های مصنوعی یا وسایل کمک حرکتی و مانند آن می‌باشند، بازرسی با رعایت شرایط و در محلی که فاقد ازدحام باشد یا در اتاق جداگانه‌ای که دور از دید مراجعان است، به عمل می‌آید». در بند الف ماده ۵ این دستورالعمل نیز مقرر شده است که «الف- مطابق با مقررات شهرسازی و دیگر قوانین و مقررات مربوط، امکانات مورد نیاز را برای تسهیل رفت و آمد، امکان جهت‌یابی و مناسب سازی برای افراد مشمول فراهم نمایند».

بند سوم: قوانین تنبیهی

با توجه به ماهیت انجام فعالیت‌های اجتماعی در شهر و احتمال بروز حوادث و وقایع مختلف، قوانین و مقررات خاصی برای کنترل این حوادث (اعم از وقوع جرائم، شبه جرائم و تخلفات) وضع شده است. «قانون مجازات اسلامی» را به عنوان یکی از اصلی‌ترین قوانین در این حوزه می‌توان نام برد.

مصادیق حقوق شهروندی در قوانین حقوق خصوصی

نظر به اینکه قانون اساسی بعنوان منبع اصلی قوانین داخلی و مقررات حقوق خصوصی نیز ارتباط دارد و به لحاظ عمومیت و کلیت، از نقطه نظر تعیین مصادیق حقوق شهروندی برخی از اصول قانون اساسی را نیز می‌توان در شمار قوانین و مقررات مرتبط با حقوق خصوصی دانست با این توضیح که محتوای قانون اساسی در رابطه با حقوق شهروندی به سه دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول، حقوقی که بدون قید و شرط حق همه افراد جامعه شناخته می‌شود که بیشترین اصول (۱۶ اصل) به حقوق شهروندی مربوط می‌شود مانند تامین امنیت قضایی عادلانه شهروند، حق مسکن، حق انتخاب شغل.

دسته دوم، قوانینی است که در متن اصل قانون مقید و محدود شده که قید حکم به قانون تعیین گردیده است (۷ اصل).

دسته سوم، قوانینی که ناظر به «حقوق مشروط شهروندان» است که در متن قانون لحاظ شده است مانند عدم اطلاع به مبانی اسلام، عدم مخالفت با اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر جهان بینی و ایدئولوژی الهی و با شناخت ابعاد وجودی انسان حقوق را برای فرد برشمرده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

تساوی حقوق (اصول ۱۹ و ۲۰)، مصونیت جان و مال و حیثیت (اصل ۲۲)، آزادی عقیده (اصل ۲۲)، آزادی مطبوعات (اصل ۲۴)، آزادی احزاب (اصل ۲۶)، آزادی انتخاب شغل (اصل ۲۷ و ۲۸)، تامین اجتماعی (اصل ۲۹)، آموزش و پرورش رایگان (اصل ۳۰).

اصل بیستم قانون اساسی با تصریح به اینکه همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و همه حقوق انسانی، سیاسی اعتقادی، فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند زمینه توسعه و رشد و تعالی حقوقی همه افراد جامعه را فراهم نموده است. عبارت مذکور در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دائر به حقوق ملت نشانگر این است مقنن به مفهومی فراتر از اتباع توجه داشته است. برای مثال حق آزادی شغل (۲۸)، منع بازداشت خودسرانه (اصل ۳۲)، منع ورود ضرر به غیر (اصل ۴۰)، منع توهین و هتک حرمت (اصل ۳۹) و منع شکنجه (اصل ۳۸) از مواردی است که مخصوص اتباع ایرانی نبوده و به تمامی آحاد و طبقات و افراد جامعه، حکومت و سرایت دارد.

از آنجا که دانش درباره شهروند، بیشتر ناشی از مطالعه نوشته‌های متفکران غربی مانند ارسطو، افلاطون، هابز و دیگران است که در دانشگاه‌ها تدریس می‌گردد و با توجه به اینکه حقوق شهروندی، اساساً هدیه الهی است و جزء حقوق ذاتی و فطری انسان هاست و از صفات انسانی محسوب است و وابستگی به هیچ قرارداد و صنفی ندارد و هیچ مقام بشری از جمله حکومت‌ها و یا مقامات مذهبی این حقوق را به افراد هدیه نمی‌نمایند (مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، ۱۳۸۶: ۲۲).

همانطور که پیشتر بیان شد حقوق خصوصی یکی از شاخه‌های علم حقوق که به قواعد حاکم بر روابط میان افراد می‌پردازد که معمولاً در برابر حقوق عمومی به کار می‌رود. در ادامه از مهمترین رشته‌های حقوق خصوصی «حقوق مدنی» و «حقوق ثبت» و سایر قوانین مرتبط مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

برای شناخت دقیق ابعاد حقوق شهری باید بر موارد زیر تکیه نمود.

بند اول: حق بر شهر

حق بر شهر، بنیانی ترین مسئله حقوق شهری به شمار می‌رود که نخستین بار نوبت هانری لوفر عنوان نمود و به عنوان یکی از مهم ترین ارکان نظری برنامه ریزی شهری تلقی گردید و به طور اجمالی به حقوق شهرنشینان فارغ از وابستگی یا تعلق سیاسی و فرهنگی می‌پردازد (تبریزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۸۱۷).

بند دوم: رژیم حقوق مدیریت شهر

ساختار حقوقی اداره شهر، از مهم ترین موضوعات مطرح شده در زمینه حقوق شهری است ابعاد این قضیه بیشتر به ساختار و تشکیلات شورای شهر، شهرداری و سایر ادارات شهری و قوانین مقرراتی بستگی دارد که بر آنها حاکم است. بعد از آن بحث شهروندان از منظر حقوق و مسئولیت‌ها در مواجهه با تشکیلات اداری شهر مطرح می‌شود. در همین راستا مشارکت شهروندان در اداره شهر به نحوی که تأثیر موثری بر اداره شهر داشته باشد، مسئله

اساسی است که باید به آن پرداخته شود (تبریزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۸۱۸). در این باره در بخش های آتی بیشتر بحث خواهد شد.

بند سوم: حقوق شهرداری

شهرداری به عنوان سازمان محلی به منظور اداره امور محلی و ارائه خدمات لازم با هدف مدیریت و توسعه کالبدی، اقتصادی و اجتماعی در محدوده شهر و اطراف آن به وجود آمده است و وظیفه آن برآورده کردن نیازهای مشترک شهروندان است (سلمانی و یدالله نیا، ۱۳۹۸: ۴۴). در حقیقت شهرداری ها به دلیل صلاحیتی که در حوزه مدیریت امور شهری و خدمت رسانی همگانی دارند از ظرفیت بالایی در راستای احترام اجرا و توسعه حقوق شهروندی نیز برخوردار می باشند؛ به عبارتی روشن تر، شهرداریها به عنوان خط مقدم اجرای حقوق شهروندی در جوامع به شمار می آیند که این توانایی را دارند تا در اجرای مسئولیت هایی که به عهده دارند، اجرای حقوق شهروندان را در اولویت امور قرار دهند در این مسیر، قانونگذار در قانون شهرداری ها ۱۳۳۴ (با لحاظ اصلاحات بعدی) و برخی از مقررات دیگر وظایفی را برای شهرداری ها برشمرده که بسیاری از آنها به عنوان مصداق هایی از حقوق شهروندی شناخته می شوند؛ به عبارتی روشن تر، شهرداری ها وظایف مهمی را در راستای اجرای حقوق شهروندی برخوردار می باشند که چنانچه به طور مناسبی مشمول سیاستگذاری و اجرا قرار بگیرد، رعایت حقوق شهروندی افراد تا حدود بالایی حفظ می شود. البته مهم ترین کاستی قانونگذاری به منظور تضمین اجرای حقوق شهروندی توسط شهرداری ها عدم ترسیم ضمانت اجراهای مستقل متناسب است.

بند چهارم: تخلفات و جرائم شهری

برخی تخلفات در قالب قانون شهرداری پیش بینی می شوند و بارزترین نمونه شان تخلفات ساختمانی است (صفایی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱). علامه بر آن جرم شهری خود را در قالب وندالیسم یا تخریب گری نشان می دهد و حقوق کیفری در این حالت دخالت نموده تا به

تحمیل هزینه و جریمه بر مجرمان از ارتکاب و تکرار جرم پیشگیری به عمل آورد.

بند پنجم: حقوق شهرداری

مجموعه قوانین و مقررات و رویه های قضایی و اصول حاکم بر شیوه نظم بخشی بر فضای شهری حقوق شهرداری نامیده می شود. این تعریف که جنبه های کالبدی شهر را دربر میگیرد متمایز از حقوق شهری است. حقوق شهرداری همان حقوق شهری است که می تواند در معنای عام و خاص به کار رود (صفایی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱). حقوق شهری افزون بر شهرداری از نظام حقوقی مدیریت شهری، ساختار، تشکیلات و وظایف شهرداری و شورای اسلامی شهر نیز سخن می گوید.

قانون شهرداری در ایران با تصویب قانون بلدیه به سال ۱۲۸۶ شمسی و وضع مقررات درباره ساخت کوچه ها، خیابانها و میدان ها نمایان شد. با گذشت زمان کاستی های این قانون پدیدار و زمینه تصویب قوانین دیگری همچون قانون بلدیه مصوب ۱۳۰۹ قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهر و قصابات مصوب ۱۳۲۸ و لایحه قانونی شهرداریها مصوب ۱۳۳۱ و نهایتاً قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۳ فراهم شد. افزون بر قانون شهرداری که آمیزه ای از مقررات مدیریتی و شهرداری است قوانین دیگری نیز به تصویب رسید که به طور مستقیم به موضوع شهرداری ارتباط دارد:

قانون توسعه معابر مصوب ۱۳۱۲ و اصلاحیه آن به سال ۱۳۲۰؛

قانون راجع به تأسیس وزارت آبادانی و مسکن مصوب ۱۳۴۲؛

قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷؛

قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱؛

قانون تأسیس شورای عالی شهرداری و معماری مصوب ۱۳۵۱؛

قانون نظام معماری و ساختمانی مصوب ۱۳۵۱؛

قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی مصوب ۱۳۵۳؛ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴؛

قانون تعاریف محدوده و حریم شهر روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها مصوب ۱۳۸۴.

مجموعه قوانین مذکور که در دو مقطع زمانی پیش و پس از انقلاب تهیه و تصویب شده گویای آن است که ویژگی انسجام و استواری به تدریج از قوانین گرفته و نوعی قاعده گذاری پراکنده رواج یافته است. شهرسازی پس از انقلاب از مسیر قانون مداری که ساخته و پرداخته قوه مقننه است، خارج و به سوی ضابطه محوری که بازتاب اراده مقامات اداری و شهرداران است گرایش پیدا کرد (کامیار، ۱۴۰۰: ۱۲۴).

نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی حقوق شهروندی در پرتو قوانین و مقررات شهری و قوانین حقوق خصوصی در ایران پرداخته شده است. محور اصلی تحقیق حاضر مبنی بر تحلیل و تبیین موارد تقنینی حقوق شهروندی در مقررات و قوانین حقوق خصوصی می باشد که برخی از مصادیق آن از این منظر مورد بررسی قرار گرفت. حقوق شهروندی به عنوان یک نهاد مشخص در حقوق می باشد که بیشتر محل بحث آن در دو شاخه مهم حقوق عمومی و حقوق خصوصی از علم حقوق می باشد و در این تحقیق ابتدا با تعریف حق و مفهوم حقوق شهروندی، ارتباط این نهاد را با مقررات و قوانین حقوق خصوصی روشن ساخته و سپس حقوق شهروندی در پرتو قوانین و حقوق شهری مورد تبیین قرار داده شده است. تعیین قلمرو حقوق شهروندی در حقوق خصوصی و ارتباط آن با یکدیگر، شناسایی مصادیق آن، بررسی وجود و عدم وجود موارد تبعیض و محدودیت ها در اجرا و نیز ارائه راهکار و پیشنهادها برای موارد مسکوت حقوق شهروندی در قوانین مورد مطالعه قرار گرفت. با توجه به این بررسی ها و به عنوان جمع بندی و پاسخ به سوالات تحقیق باید گفت:

۱- در خصوص مفهوم و جایگاه حقوق شهروندی در قوانین و مقررات حقوق خصوصی، مطابق این تحقیق می توان گفت که از نظر مفهوم شامل مطلق حقوق مرتبط با حقوق شهروندی مندرج در قوانین مزبور می باشد و در این مقررات مصادیق بسیار متعددی از حقوق شهروندی موجود می باشد.

۲- تلازم و پیوستگی و دامنه شمول حقوق شهروندی به تمام حقوق متعلق به افراد در هر دو شاخه حقوق عمومی و حقوق خصوصی عینیت و موضوعیت دارد. با شناسایی قوانین و مقررات و تفکیک آنها به عام و خاص، می توان مصادیق حقوق شهروندی را در قوانین و مقررات داخلی حقوق خصوصی به سهولت پیدا کرد که در پی آن مشخص می گردد که حقوق شهروندی وجه حقوق عمومی دارد یا حقوق خصوصی؛ که به نتیجه عمومیت و شمولیت حقوق شهروندی به هر دو علم از رشته حقوق رسیدیم.

۳- حقوق شهروندی و مصادیق آن در قوانین و مقررات حقوق خصوصی در مقام بهره مندی و اجرا در برخی موارد با تبعیض همراه بوده و صرفاً و با اعمال محدودیت هایی همراه است. مثلاً حقوق اقلیت های دینی در قوانین و مقررات حقوق خصوصی به عنوان حقوق شهروندی شناسایی و مورد اجرا قرار گرفته است اما در خصوص حقوق شهروندی اقلیت های قومی- مذهبی در قوانین و مقررات مزبور مورد توجه قانونگذار واقع نگردیده است.

۴- به طور کلی در بهره مندی از حقوق شهروندی در مقررات و قوانین حقوق خصوصی، اصل بر عدم تبعیض و عدم محوریت تعلقات ملی و قومی و نژادی است و به طور یکنواخت و بدون تبعیض مورد مراعات است و موارد محدودیت از بهره مندی از حقوق شهروندی در مقررات حقوق خصوصی در برخی موارد نظیر تملکات اتباع بیگانه در مورد اموال غیرمنقول در حقوق خصوصی متجلی شده ولی حالت محدودیت کلی ناظر به حقوق سیاسی است که از محل بحث ما خارج است.

۵- هرچند در مقررات و قوانین حقوق خصوصی حاکم در ایران قواعد و تشریفات برای حفظ و رعایت حقوق شهروندی افراد ذکر شده لیکن مقررات ناقص، مبهم و دارای اشکالات موجود نمی‌تواند حفظ حریم خصوصی و احیا کننده حقوق شهروندی باشد. قانونگذار در عرصه ظریف و دقیق حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد ایجاب می‌کند که در وهله نخست مفاهیم را به صراحت و روشنی تعریف نموده تا محدوده و قلمرو آن معین گردد و سپس سعی در تبیین حقوق شهروندی و ذکر مصادیق آن نماید.

۶- برقراری شرایط و زمینه‌های لازم برای تعامل بین عناصر مدیریت شهری که شامل شهروندان، نهادهای اداره‌کننده شهر، شورای اسلامی و بخش خصوصی است نیازمند قرار گرفتن برمدار قانونمداری است. قانونمداری مبتنی بر تدوین قوانین و مقرراتی است که وظایف و تکالیف دو سویه شهروندان و مدیریت شهری را روشن می‌نماید و هدف آن سامان بخشی به زندگی شهری و فعالیت‌های مدیریت شهری است.

۷- اگر حقوق شهروندی را به عنوان یک واقعیت و پدیده اجتماعی بدانیم موقعیت شهروند بریک حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده برای مشارکت جدی و فعالانه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دلالت دارد. این موقعیت کمکی را که آن فرد به جامعه می‌کند می‌پذیرد، درحالی‌که به او استقلال فردی را ارزانی می‌دارد. برای شهروندی مجموعه‌ای از وظایف و تکالیف و حقوق وجود دارد و شهروندی بر برابری و عدالت نیز تأکید ویژه دارد. شهروند دارای حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی است و بستر تعامل این سه مفهوم هنگامی بیشتر روشن می‌شود که پیوند آن‌ها را در عرصه شهر شامل مجموعه قوانین و مقررات، طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و سازمان و تشکیلات اداره‌کننده شهر ببینیم. اما ظهور حقوق شهروندان و تعیین تکالیف و مسئولیت‌های آنان زمانی می‌تواند صورت گیرد که در قوانین و مقررات جایگاهی

داشته باشد. نتایج بررسی قانون اساسی حکایت از وجود پیش‌بینی برخی زمینه‌های حقوقی و قانونی برای ایجاد شهروندی است و ظرفیت‌های مناسب پیرامون این موضوع در آن وجود دارد. در قوانین و مقررات موضوعه مجلس شورای اسلامی نیز تعامل بیشتر با شهروندی اجتماعی است تا شهروندی مدنی و سیاسی. در برنامه‌های توسعه کشور نیز به دلیل دیدگاه حاکم، بیشتر به زمینه‌سازی برای تقویت شهروندی رفاه توجه شده است اگرچه رگه‌هایی از شهروندی مدنی و سیاسی نیز در آن یافت می‌شود. در مجموع توجه به حقوق شهروندی در پرتو قوانین شهری ناقص و دارای محدودیت‌هایی که باید در تمام زمینه‌ها مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار گیرد.

منابع

- ابدالی، مهرزاد (۱۳۸۵). رویه و آیین دادرسی مدنی، تهران: نیک اندیش.
- استوار سنگری، کوروش (۱۳۹۷). حقوق تامین اجتماعی، تهران: نشر میزان.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۴). حقوق مدنی، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- انوری، حسن (۱۳۹۳). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۷). دانشنامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- بابایی مهر، علی (۱۴۰۰). حقوق اداری ۲، تهران: انتشارات مجد.
- جعفر لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۲). مسبوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- جوادی آملی (۱۳۷۵). فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
- حاجی کرم رعیت، محمدرضا؛ طباطبایی مزدآبادی، سیدمحسن (۱۴۰۰). حقوق شهر و شهروندی، بازاندیشی در مبانی، مفاهیم، ابعاد و کارکردها، تهران: انجمن علمی اقتصاد شهری ایران.

- حقیقت، علی (۱۳۷۹). ثبت املاک در ایران، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضایی زاده، محمدجواد (۱۳۹۱). حقوق برنامه ریزی شهری، تهران: انتشارات مجد.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۷۱). حقوق شناسی: دیباچه‌ای بر دانش حقوق، مشهد: نخست.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۹۹). مدیریت شهری، کتاب سبز شهرداری‌ها، تهران: مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.
- سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۳). حقوق بشر در جهان معاصر، تهران: شهر دانش.
- شارع پور، محمود (۱۴۰۰). جامعه شناسی شهری، تهران: سمت.
- شکویی، حسین (۱۳۹۷). دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، تهران: سمت.
- صفایی پور، مسعود؛ زادولی خواجه، شاهرخ؛ جواد (۱۳۹۶). حقوق و قوانین شهری، تهران: آراد کتاب.
- طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۴۰۱). حقوق اساسی، تهران: انتشارات میزان.
- عبد الهی، مجید و غضنفر اکبری (۱۳۸۱). مجموعه قوانین و مقررات ده و دهیاری، تهران: انتشارات قلمستان.
- عمید، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی و همکاران (۱۳۸۹). دانشنامه فقه سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فالکس، کیث (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). مبانی حقوق عمومی، تهران: دادگستر.
- کامیار، غلامرضا (۱۴۰۱). حقوق شهری و شهرسازی، تهران: انتشارات مجد.
- گرچی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۹۳). مبانی حقوق عمومی، تهران: انتشارات جنگل.
- مجتهدی، محمدرضا (۱۳۹۱). حقوق تامین اجتماعی، تبریز: انتشارات آیدین.
- مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی (۱۳۸۶). تهران: انتشارات آریان.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۷۷). حقوق و سیاست در قرآن، نگارش محمد شهرابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۰). نظریه حقوقی اسلام، قم: موسسه امام خمینی.
- معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ معین، تهران: زیرین.
- موحدیان، غلامرضا (۱۳۹۹). حقوق کار، قم: انتشارات نگین.
- موریس، جیمز (۱۳۹۴). تاریخ شکل شهر، ترجمه راضیه رضازاده، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰). بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری، تهران: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- ورعی، سیدجواد (۱۳۹۷). حقوق شهروندی در اندیشه اسلامی، قم: میراث اهل قم.
- هاشمی، محمد (۱۳۹۸). حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران: انتشارات میزان.
- هاشمی، فضل‌ا... (۱۳۹۱). حقوق شهری و قوانین شهرسازی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- هداوند، مهدی (۱۳۹۶). حقوق اداری تطبیقی، تهران: سمت.
- اکرمی، رحمت الله؛ مهدی فرد، محمد رضا؛ بنانی، مهدی؛ برزو زاده زواره، محسن (۱۳۹۳). «بازنگری درنظام حسابداری دولتی ابزاری برای ارتقای شفافیت مالی دولت»، مجله اقتصادی، شماره های ۱ و ۲.

- کامیار، غلامرضا (۱۴۰۰). «حقوق شهرسازی: وگرایی در حقوق و همگرایی با ثبت اسناد و املاک»، پژوهشگاه قوه قضائیه، دوره اول، شماره اول.

- مردانی، پوریا (۱۳۹۰). «مدیریت شهری و حقوق شهروندی»، روزنامه رسالت، ۹۰/۳/۲۸.

- مظهری، محمد؛ زارعی، ثریا (۱۳۹۶). «حقوق شهروندی در چارچوب قواعد حقوق عمومی»، نخستین کنگره بین المللی حقوق ایران با رویکرد حقوق شهروندی، تهران.

- موسوی، سیدسعید (۱۴۰۰). «حقوق شهروندی در آئینه قوانین و مقررات حقوق خصوصی»، مطالعات حقوق شهروندی، شماره ۱.

- نبویان، سید محمود (۱۳۸۶). «کالبد شکافی معنای حق در اندیشه سیاسی فقهای شیعه»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره چهارم.

(ج) پایان نامه ها

- صالحی، اسماعیل (۱۳۹۲). بررسی قوانین و مقررات شهرسازی در شکل‌گیری شهر خوب، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.

- مختارزاده، قمر (۱۴۰۰). حقوق شهروندی در فقه امامیه و جوامع غربی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.

- مصطفی زاده، فهیم (۱۳۸۴). جایگاه حق خلوت در حقوق کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.

- هاشمی، رضا (۱۴۰۱). حریم خصوصی و حقوق شهروندی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان.

- بادینی، حسین (۱۳۸۷). «جستاری نقادانه در نظام تامین اجتماعی ایران». فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳.

- تبریزی شهروی، محمد؛ جعفری، محمدحسین؛ حسینی صدرآبادی، ایرج (۱۴۰۰). «جلوه های حقوق شهروندی در حقوق شهری ایران»، جامعه شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره سوم.

- حیدری مقدم، حجت اله (۱۳۹۹). «بررسی رابطه بین حقوق شهروندی و حفظ حقوق خصوصی»، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۶، شماره ۴.

- خادم الحسینی، احمد و حسنیه شیرخانی (۱۳۹۳). «بررسی محدودیت های حضور زنان در فضاهای عمومی شهری»، مطالعات جامعه شناختی شهری، دوره ۴، شماره ۱۰.

- رضائی، علی (۱۳۹۰). «معنای حق در نگاه اندیشمندان اسلامی»، فصلنامه معرفت حقوقی، شماره ۲.

- شاطریا، محمود؛ رضایی، محمدحسین (۱۴۰۰). «حقوق شهروندی در پرتو حقوق شهری مطلوب»، مطالعات حقوق شهروندی، شماره ۲۴.

- صرافى، مظفر؛ عبدالهی، مجید (۱۳۸۷). «قوانین، مقررات و مدیریت شهری»، فصلنامه پژوهش جغرافیائی، شماره ۶۳.

- صرافى، مظفر (۱۳۸۰). «مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۱.

- صفایی پور، مسعود؛ پیری، فاطمه (۱۳۹۴). «سنجش میزان آگاهی عمومی شهروندان به حقوق و قوانین شهری نمونه محله عامری شهر اهواز»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۴۱.

- طباطبایی نژاد، سید محمد و محمود کاظمی (۱۳۹۸). «تعامل حقوق عمومی و خصوصی در مورد مسئولیت مدنی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۲۱، شماره ۲.